

**جهت تهیه این کتاب می‌توانید با شماره
تلفن‌های ذیل تماس حاصل نمایید.**

۰۲۵-۳۷۷۴۹۲۷۴

۰۹۱۲۶۵۲۵۰۷۰

**همچنین می‌توانید در شبکه‌های
اجتماعی ایتا و تلگرام با شماره فوق
سفارش خود را ثبت فرمایید.**

■ کانال ایتا: nashrehoghoghepoya

■ کانال تلگرام: hoghoghepoyapub

■ کانال پیام رسان بله: pooya_law

■ کانال پیام رسان سروش: pooyalaw

■ فروشگاه اینترنتی: www.hpbook.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همیار اجرای احکام کیفری

جلد اول

جرائم غیر قابل گذشت
(با تجدیدنظر و اضافات)

دکتر محمد حسین صادقی
(دادیار دادسرای دیوان عالی کشور)

مجید عطایی جنتی
(قاضی دادگستری)

تکتم صفری
(قاضی دادگستری)

نشر حقوق پویا

فهرست مطالب

مقدمه ۱۵

فصل اول: آدم ربایی ۲۲

گفتار اول: ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های

بازدارنده) ۲۲

گفتار دوم: بررسی بزه در اجرای احکام کیفری ۲۳

بند اول: دستورات ابتدائی در اجرا ۲۳

بند دوم: اعلام محکومیت قطعی ۲۶

بند سوم: دستورات در خصوص ضبط وجه الكفاله یا وجه الوثاقه ۲۸

بند چهارم: نکاتی در مورد صدور برگ جلب ۳۰

گفتار سوم: نهادهای ارفاقی در جرم آدم ربایی ۳۱

بند اول: نهاد نیمه آزادی و آزادی مشروط ۳۱

بند دوم: پابند الکترونیک ۳۲

بند سوم: تعلیق ۳۵

بند چهارم: لغو تعلیق ۳۶

گفتار چهارم: سوالات کاربردی در موضوع آدم ربایی ۳۷

بند اول: تاثیر عوامل مشدده آدم ربایی در مجازات ۳۷

بند دوم: مال موضوع جرم معیار مجازات ۳۷

بند سوم: ارزش مال در زمان پرداخت ۳۸

بند چهارم: شرایط مخفی کردن در جرم آدم ربایی ۳۹

بند پنجم: مسئولیت جلب محکوم علیه آدم ربایی ۴۰

- بند ششم: آدم ربایی در میان زوجین..... ۴۱
- بند هفتم: تحقیقات جرم آدم ربایی در محدودیت‌های سنی قانونی..... ۴۲
- بند هشتم: صلاحیت دادگاه نوجوانان در جرم آدم ربایی..... ۴۳
- بند نهم: شرایط اعمال ماده ۱۳۴ در صورت تقلیل مجازات..... ۴۵
- بند دهم: مجازات آدم ربایی در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری..... ۴۶
- بند یازدهم: تکلیف وثیقه گذار در فرض ربوده شدن محکوم علیه (عدم دسترسی)..... ۴۷
- بند دوازدهم: اعتراض به حکم غیابی در پرونده آدم ربایی..... ۵۰
- بند سیزدهم: رسیدگی به واخواهی شخص محکوم به آدم ربایی..... ۵۲
- بند چهاردهم: اجرای مجازات تکمیلی جرم اخف در صورت تعدد جرائم..... ۵۴
- بند پانزدهم: آدم ربایی در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری..... ۵۶
- بند شانزدهم: مرجع صالح در بازنگری رای بزه آدم ربایی..... ۵۸

فصل دوم: کلاهبرداری ۶۰

- گفتار اول: بررسی بزه کلاهبرداری در شعبه اجرای کیفری ۶۱
- بند اول: دستورات ابتدایی ثبتی به دفتر..... ۶۲
- گفتار دوم: نهادهای ارفاقی در جرم کلاهبرداری ۶۳
- بند اول: تعلیق..... ۶۳
- بند دوم: نظام نیمه آزادی، آزادی مشروط، پابند الکترونیک..... ۶۴
- بند سوم: شرایط اعمال آزادی مشروط در تمامی جرائم مشمول..... ۶۵
- بند چهارم: قرار موقوفی اجرای مجازات دادسرا..... ۶۷
- رضایت نامه شاکی در جرائم قابل گذشت در امور کیفری..... ۶۷
- نمونه درخواست از دادگاه در صورت رضایت شاکی بعد از صدور حکم قطعی..... ۶۸
- نمونه قرار موقوفی..... ۷۰
- بند پنجم: اعلام رد مال..... ۷۱
- گفتار سوم: سوالات کاربردی در جرم کلاهبرداری ۷۲
- بند اول: تحلیل معنای جمله " جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده "..... ۷۲
- بند دوم: قصد در وقوع بزه کلاهبرداری..... ۷۳
- بند سوم: دو نصاب در یک مورد پرونده..... ۷۴

- بند چهارم: میزان رد مال در چند مورد کلاهبرداری در یک پرونده..... ۷۵
- بند پنجم: معرفی حساب بانکی شخص دیگر در بزه کلاهبرداری..... ۷۶
- بند ششم: اعمال تخفیف در اعمال ماده ۴۸۳ و ۴۴۲..... ۷۷
- بند هفتم: رضایت برخی از شکات در پرونده..... ۷۷
- بند هشتم: توأم بودن سه جرم کلاهبرداری، جعل و استفاده از سند مجعول و مجازات ها..... ۷۹
- بند نهم: عدم اظهارنظر در خصوص رد مال و جزای نقدی در دادگاه بدوی در خصوص بزه کلاهبرداری..... ۸۱
- بند دهم: جرائم اقتصادی در حکم کلاهبرداری..... ۸۲
- بند یازدهم: ملاک مجازات اشد در کلاهبرداری..... ۸۳
- بند دوازدهم: عین جزای نقدی در تعدد شکات و رد مال..... ۸۳
- بند سیزدهم: معرفی اموال از محکوم علیه غایب..... ۸۴
- بند چهاردهم: تضامنی بودن رد مال در شرکت کلاهبرداری..... ۸۶
- بند پانزدهم: تعلیق و تبدیل در قانون مجازات و دیگر قوانین مربوطه در مورد کلاهبرداری..... ۸۷
- بند شانزدهم: تعیین تکلیف رد مال در مورد سند مالکیت در کلاهبرداری..... ۸۸
- بند هفدهم: میزان مسئولیت کیفری مرتکبان (مشارکت) بزه های دارای مجازات رد مال و جزای نقدی..... ۹۰
- بند هجدهم: حکم به رد مال در صورت تلف واقعی یا حکمی مال موضوع کلاهبرداری..... ۹۲
- بند نوزدهم: قابل گذشت بودن یا نبودن کلاهبرداری رایانه ای با توجه به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری..... ۹۳
- بند بیستم: شمول مرور زمان در جرائم در حکم کلاهبرداری..... ۹۴
- آیا کلاهبرداری ثبتی، مشمول مرور زمان یک ساله می شود یا خیر؟..... ۹۵
- بند بیست و یکم: بررسی امکان تعلیق مجازات کلاهبرداری..... ۹۶
- بند بیست و دوم: بررسی امکان تخفیف مجازات جرم کلاهبرداری در صورت گذشت شاکی..... ۹۷
- بند بیست و سوم: کیفیت تخفیف در مجازات کلاهبرداری..... ۹۸

- بند بیست و چهارم: تاثیر رضایت شاکی و کاهش ارزش مال در کلاهبرداری از سوی وی پس از صدور رای قطعی..... ۹۹
- بند بیست و پنجم: حکم به جزای نقدی و رد مال در بزه کلاهبرداری در فرض نامشخص بودن شاکی یا شکات..... ۱۰۱
- بند بیست و ششم: بررسی تعلیق اجرای حکم در بزه انتقال مال غیر..... ۱۰۴
- بند بیست و هفتم: رد مال در کلاهبرداری در صورت تعدد شرکاء..... ۱۰۵
- بند بیست و هشتم: بررسی شرایط قابل گذشت بودن شروع به جرم و معاونت در جرم کلاهبرداری و سرقت موضوع مواد ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۶۱ و ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)..... ۱۰۹
- بند بیست و نهم: طرح دعوی خسارت تاخیرتادیه در سرقت و کلاهبرداری ۱۱۲
- بند سی: تکلیف اجرای احکام در جرم کلاهبرداری که بدون شکایت شاکی، حکم قطعی شده..... ۱۱۴
- بند سی و یکم: قابلیت طرح دعوای اعسار در رد مال..... ۱۱۶
- بند سی و دوم: حکم به رد مال در صورت تلف واقعی یا حکمی مال موضوع کلاهبرداری..... ۱۱۷
- بند سی و سوم: رد مال در وجوه نقدی در جرائم سرقت، کلاهبرداری و امثال آن..... ۱۱۸
- بند سی و چهارم: رد مال در سرقت‌های فاقد سوءنیت مجرمانه..... ۱۱۹
- بند سی و پنجم: وصول ضرر و زیان‌های مربوط به حکم دادگاه حقوقی از محل وثیقه ضبط شده از سوی اجرای احکام کیفری..... ۱۲۱
- بند سی و ششم: نوع مسئولیت شرکای جرم در رد مال..... ۱۲۲
- بند سی و هفتم: بررسی تعلیق مجازات موضوع ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری..... ۱۲۳
- بند سی و هشتم: مدت بازداشت به جهت عجز از پرداخت جزای نقدی در تحصیل مال نامشروع..... ۱۲۵
- بند سی و نهم: رای غیابی مبنی بر حبس و رد مال بر اساس تبصره ۲ ماده ۴۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری..... ۱۲۷
- بند چهلم: تقاضای اعمال ماده ۴۴۲ توسط متهم به یک سال حبس..... ۱۲۹

بند چهل و یکم: احراز مالکیت ملک با توجه به حکم قاضی و ابطال سند رسمی	۱۳۰
بند چهل و دوم: تکلیف اجرای احکام در صورت مواجهه با قانون لاحق اخف	۱۳۲
بند چهل و سوم: تقاضای اعمال ماده ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی در مرحله اجرای حکم	۱۳۳
بند چهل و چهارم: نحوه توقیف و فروش سهام محکوم علیه	۱۳۴
بند چهل و پنجم: وضعیت اجرای حکم و شمول مرور زمان بر آن با توجه به تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲	۱۳۵
بند چهل و ششم: اسقاط حق تجدید نظر خواهی توسط محکوم علیه	۱۳۷
بند چهل و هفتم: امکان تبدیل مجازات در موارد اعمال ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری	۱۳۹
بند چهل و هشتم: بررسی لزوم تناسب قرار تأمین کیفری با ضرر و زیان ناشی از جرم	۱۴۲
بند چهل و نهم: مرور زمان شکلیت در جرائم قبل گذشت به موجب قانون جدید	۱۴۳
گفتار چهارم: رفع ابهام کلی از قانون کاهش	۱۴۶

فصل سوم: سرقت ۱۵۲

گفتار اول: سرقت‌های تعزیری	۱۵۲
گفتار دوم: بزه سرقت در اجرای احکام کیفری	۱۵۷
گفتار سوم: نهادهای ارفاقی در بزه سرقت	۱۵۹
گفتار چهارم: سوالات کاربردی در سرقت	۱۶۰
بند اول: نحوه تعیین مجازات در ماده ۶۶۱ قانون مجازات اسلامی	۱۶۰
بند دوم: شرط سابقه مؤثر کیفری برای قابل گذشت بودن بزه سرقت‌های موضوع ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی	۱۶۲
بند سوم: نحوه رد مال در سرقت به مشارکت	۱۶۳

- بند چهارم: نحوه محاسبه ارزش اموال سرقت شده در صورت تعدد سرقت و اعلام گذشت کلیه شکات..... ۱۶۴
- بند پنجم: شروع به سرقت با عنایت به قانون کاهش مجازات‌های حبس ۱۳۹۹..... ۱۶۶
- بند ششم: تعیین تکلیف اموال مسروقه در جایی که مالباخته وجود ندارد..... ۱۶۷
- بند هفتم: طرح دعوی خسارت تاخیرتادیه در سرقت و کلاهبرداری..... ۱۶۸
- بند هشتم: تشریفات استرداد اموال مسروقه در فرض موجود نبودن اصل مال..... ۱۶۹
- بند نهم: استرداد مثل یا قیمت مال مورد سرقت..... ۱۷۰
- بند دهم: بررسی قابل گذشت بودن جرم سرقت اموال دولتی..... ۱۷۰
- بند یازدهم: قابلیت طرح دعوای اعسار در رد مال..... ۱۷۱
- بند دوازدهم: مرجع صالح ادغام احکام در فرض تعدد جرائم..... ۱۷۲
- بند سیزدهم: رد مال در وجوه نقدی در جرائم سرقت، کلاهبرداری و امثال آن..... ۱۷۴
- بند چهاردهم: اثر تعلیق مجازات جرم سابق بر رضایت شاکی در جرم جدید..... ۱۷۵
- بند پانزدهم: صدور قرار تأمین خواسته توسط دادگاههای کیفری..... ۱۷۷
- بند شانزدهم: قابل گذشت بودن خرید مال مسروقه..... ۱۷۸
- بند هفدهم: وضعیت حقوقی خرید مال مسروقه در قانون مدنی..... ۱۷۹
- بند هجدهم: رد قیمت مال مسروقه به قیمت روز..... ۱۸۲
- بند نوزدهم: عدم اظهارنظر دادگاه بدوی در مورد اموال مسروقه..... ۱۸۳
- بند بیستم: جایگزین نمودن مجازات حبس تعزیری کمتر از ۹۱ روز حبس..... ۱۸۵
- بند بیست و یکم: مرجع صالح جهت صدور رأی تجمیعی..... ۱۸۶
- بند بیست و دوم: تعدد و تکرار جرم..... ۱۸۷
- بند بیست و سوم: نحوه اعتراض ثالث در پرونده‌های کیفری..... ۱۸۸
- بند بیست چهارم: پرداخت هزینه‌های اجرایی در اجرای جنبه خصوصی جرائم..... ۱۹۱
- بند بیست پنجم: درخواست اعمال ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری توسط وکیل تسخیری..... ۱۹۲

بند بیست و ششم: نوع و میزان قرار تأمین در جرائمی که در مجازات آن رد مال یا جبران خسارت پیش بینی نشده.....	۱۹۴
بند بیست و هفتم: چگونگی لحاظ تخفیف مجازات و عفو و قاعده تعدد جرم در اعمال ماده ۵۱۰ ق.آ.د.ک مصوب ۹۲.....	۱۹۶
بند بیست و هشتم: رجع صالح در رسیدگی به دعوای اعسار در رای تجمیعی.....	۱۹۷
بند بیست و نهم: گذشت ادارات و سازمان‌های دولتی از شکایت.....	۱۹۹
بند سی ام: وظیفه قاضی اجرای احکام در صورت توام شدن قواعد تکرار و تعدد جرم.....	۲۰۰
بند سی و یک: امکان تخفیف جزای نقدی در فرض ابلاغ قانونی به محکوم علیه و حضور وی در خارج از مهلت ده روز.....	۲۰۲
بند سی و دو: بررسی ضرورت تقدیم دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم.....	۲۰۵
بند سی و سه: اعسار و تقسیط رد مال در کلاهبرداری و نحوه اخذ تأمین بعد از تقسیط رد مال.....	۲۰۶
بند سی و چهار: بررسی ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی.....	۲۰۸

فصل چهارم: تصادفات و حوادث کار ۲۱۱

گفتار اول: بررسی مجازات مرتکبین تصادفات رانندگی منجر به جرح و یا فوت	۲۱۳
گفتار دوم: تصادف در اجرای احکام کیفری	۲۱۴
گفتار سوم: دیات و مباحث حوادث رانندگی	۲۱۶
گفتار چهارم: مجازات دیه	۲۳۸
بند اول: محاسبه دیه و ارزش.....	۲۴۳
جدول دیه ۱۴۰۳ به تومان	۲۴۷
بند دوم: نمونه پرسش‌های دیه.....	۲۵۱
گفتار پنجم: سوالات کاربردی	۲۵۵
بند اول: عدم احراز تقصیر طرفین در حادثه.....	۲۵۵
بند دوم: عدم ذکر شرکت بیمه به عنوان خواننده در خسارت واره به خودرو ۲۵۶	

بند سوم: وثیقه جرائم غیر عمد منجر به فوت.....	۲۵۶
بند چهارم: مسئولیت کیفری اشخاص در حوادث ناشی از کار در پروژه‌های مساجد و حسینیه ها.....	۲۵۸
بند پنجم: عدول از گذشت و تشدید مصدومیت بزه دیده.....	۲۶۴
بند ششم: مسئولیت شخص حقوقی با توجه به نظریه بازرس اداره کار.....	۲۶۵
بند هفتم: جنبه عمومی بزه حوادث ناشی از کار منتهی به فوت.....	۲۶۶
بند هشتم: پرداخت تفاوت دیه زن و مرد.....	۲۶۷
بند نهم: عدم شناسایی متهم یا عدم دسترسی به ایشان.....	۲۶۹
الف: مرتکب شناسایی نشود.....	۲۶۹
ب: مرتکب شناسایی شده است لکن دسترسی به وی ممکن نباشد (مرگ یا فرار).....	۲۷۱
ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی.....	۲۷۱
ماده ۴۷۴ قانون مجازات اسلامی.....	۲۷۲
ماده ۴۷۵ قانون مجازات اسلامی.....	۲۷۲
بند دهم: پرداخت دیه در حوادث رانندگی منجر به جرح و راننده مقصر ناشناس متواری.....	۲۷۳
بند یازدهم: واریز جزای نقدی در حوادث کار.....	۲۷۴

فصل پنجم: مواد مخدر ۲۷۵

گفتار اول: مواد پر کاربرد	۲۷۵
بند اول: قابلیت اعاده‌ی دادرسی تصمیم دادگاه در خصوص تخفیف ماده ۴۵ الحاقی.....	۲۷۹
بند دوم: تخفیف تبصره ماده ۸ در خصوص متهمی که مواد مخدر به زندان وارد کرده است.....	۲۸۰
گفتار دوم: سوالات پرکاربرد در الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر	۲۸۰
گفتار سوم: بررسی جرائم مواد مخدر	۲۸۵
گفتار چهارم: بزه مواد مخدر در اجرای احکام کیفری	۲۸۷

۲۸۸	گفتار پنجم: نهادهای ارفاقی در مواد مخدر
۲۸۹	بند اول: پابند الکترونیک
۲۹۲	بند دوم: تعلیق
۲۹۲	بند سوم: آزادی مشروط
۲۹۳	مراحل اخذ آزادی مشروط
۲۹۴	گفتار ششم: بررسی ماده ۴۵ الحاقی قانون مبارزه با مواد مخدر
۲۹۵	گفتار هفتم: بررسی عفو در جرائم مواد مخدر
۲۹۹	گفتار هشتم: سوالات کاربردی در مواد مخدر
۲۹۹	بند اول: تعیین تاریخ قطعیت دادنامه
۳۰۰	بند دوم: صلاحیت در مواد مخدر
۳۰۰	بند سوم: اعتراض ثالث در ضبط خودرو
۳۰۱	بند چهارم: ضبط خودرو
	بند پنجم: نحوه تعیین مجازات جزای نقدی موضوع بند ۵ ماده ۵ قانون مبارزه
۳۰۳	با مواد مخدر
	بند ششم: بررسی مقررات تکرار جرم در جرائم مشمول ماده ۴۵ الحاقی به
۳۰۴	قانون مبارزه با مواد مخدر
	بند هفتم: ارتکاب بزه در ماده ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر توسط کارکنان
۳۰۸	شهرداری و نیروی انتظامی
	بند هشتم: امکان شمول قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به جرائم مواد
۳۰۹	مخدر
	بند نهم: لزوم رعایت تناسب در صدور قرار تامین کیفری و میزان مجازات در
۳۱۱	جرائم مواد مخدر
۳۱۲	بند دهم: تکرار جرم در مواد مخدر
۳۱۳	بند یازدهم: تکرار در بزه حمل مواد مخدر
	بند دوازدهم: بررسی نسخ ماده ۳۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر
۳۱۵	بند سیزدهم: نحوه اعمال مجازات در جرائم متعدد مواد مخدر
۳۱۶	
۳۱۷	بند چهاردهم: افزایش جریمه در قانون مبارزه با مواد مخدر

- بند پانزدهم: تقسیط جزای نقدی موضوع مواد مخدر توسط قاضی اجرای احکام کیفری..... ۳۱۸
- بند شانزدهم: تسری تخفیف مندرج در ماده ۳۷ قانون اصلاحی مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ به قانون مبارزه با مواد مخدر..... ۳۲۰
- بند هفدهم: رعایت تناسب مواد کشف شده در صلاحیت جرائم مواد مخدر ۳۲۱
- بند هجدهم: بررسی تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط جرائم مواد مخدر با توجه به تبصره ماده ۴۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر..... ۳۲۲
- بند نوزدهم: قابلیت استماع دعوی تقسیط از پرداخت جزای نقدی در خصوص جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر و قانون قاچاق کالا و ارز..... ۳۲۴
- بند بیستم: محکومیت به حبس ابد در جرائم مواد مخدر و ارتکاب جرم در حین تحمل حبس..... ۳۲۶
- بند بیست و یکم: بررسی مرور زمان مجازات در جرائم مواد مخدر..... ۳۲۸
- بند بیست دوم: نسخ حبس ابد در قانون مبارزه با مواد مخدر با قانون کاهش مجازات حبس تعزیری..... ۳۲۹
- بند بیست و سوم: اعمال آزادی مشروط در جرم خرید و نگهداری مواد مخدر..... ۳۳۰
- بند بیست چهارم:..... ۳۳۲
- اسقاط حق تجدیدنظرخواهی بر اساس ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری در جرائم مواد مخدر با مجازات حبس ابد..... ۳۳۲
- بند بیست و پنجم: بررسی ماده ۱۷ قانون مبارزه با مواد مخدر از باب مطلق بودن نگهداری، حمل و قاچاق هر مقدار مواد مخدر..... ۳۳۳
- بند بیست و ششم: توقیف وسیله نقلیه با مالکیت مشاع..... ۳۳۴
- بند بیست و هفتم: نحوه تعیین مجازات جزای نقدی موضوع بند ۵ ماده ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر..... ۳۳۵
- بند بیست و هشتم: مرجع صالح ادغام احکام در فرض تعدد جرائم..... ۳۳۶
- بند بیست و نهم: امکان ارسال آرای غیابی و پرونده‌های مواد مخدر در راستای قانون کاهش مجازات حبس..... ۳۳۸
- بند سی: کشف مواد مخدر در خودرو حامل مواد مخدر پس از صدور حکم قطعی و تجمیع آرا..... ۳۳۹

بند سی و یک: بررسی اعطای آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی به مجرم مواد مخدر.....	۳۴۱
بند سی و دو: پرداخت جزای نقدی از محل وثیقه سپرده شده در جرائم مواد مخدر.....	۳۴۲
بند سی و سه: نظام نیمه آزادی در جرائم مواد مخدر.....	۳۴۴
بند سی و چهار: اعمال تخفیف موضوع ماده ۴۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد مجازات انفصال از خدمت.....	۳۴۵
بند سی و پنج: شناسایی اموال محکوم علیه بعد از تحمل بازداشت بدل از جزای نقدی.....	۳۴۷
بند سی و شش: تکرار جرائم مربوط به مواد مخدر.....	۳۴۸
بند سی و هفت: بررسی سقوط مجازات در مصادره اموال با فرض فوت محکوم علیه.....	۳۴۹
بند سی و هشت: آزادی مشروط.....	۳۴۹
بند سی و نه: درخواست رفع توقیف.....	۳۵۱
بند چهل: چگونگی اعطای آزادی مشروط به محکومان مواد مخدر قبل از تصویب ماده واحده الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر.....	۳۵۲
بند چهل و یک: مجازات اعدام در مواد مخدر.....	۳۵۴
بند چهل و دو: آیا امکان تسری ماده ۳ قانون کاهش حبس در صورت اعمال عفو و تبدیل مجازات اعدام به حبس ابد وجود دارد؟.....	۳۵۶
بند چهل و سه: اعمال ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری در محکومیت به اعدام بعد از اعمال تخفیف ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر... ..	۳۵۸
بند چهل و چهار: اجتماع شرایط برای اعمال حکم اعدام در جرائم مواد مخدر.....	۳۵۹
بند چهل و پنج: خلاصه دادنامه.....	۳۶۰
بند چهل و شش: مجازات اعدام در درجه بندی مجازات‌های تعزیری.....	۳۶۱

فصل ششم: شرکت در نزاع دسته جمعی، اخلاف در نظم و ضرب و جرح

عمدی ۶۱۴.....	۳۶۴
---------------	-----

گفتار اول: اطلاعات تنقیحی ۳۶۵

- گفتار دوم: جرائم فوق الذکر در اجرای احکام کیفری ۳۶۶
- گفتار سوم: نهادهای ارفاقی در این جرائم ۳۶۸
- گفتار چهارم: سوالات کاربردی ۳۶۸
- بند اول: محکومیت صرفاً دیه ۳۶۸
- بند دوم: ضرب و جرح عمدی منتهی به شکستگی با التیام مطلوب ۳۶۹
- بند سوم: محکومیت جزای نقدی با مهلت پرداخت دیه ۳۷۰
- بند چهارم: ارسال همه پرونده‌هایی که در آنها حکم به بیش از حداقل حبس قانونی صادر شده است به دادگاه در راستای تخفیف مجازات ۳۷۲
- بند پنجم: عدم شناسایی مرتکب (در جنایت عمدی- نزاع دسته جمعی) و پرداخت دیه از بیت المال ۳۷۴
- بند ششم: حد نصاب تعداد افراد در تحقق جرم منازعه موضوع ماده ۶۱۵ قانون تعزیرات در هر دو طرف نزاع و تاثیر اثبات ادعای یک طرف نزاع در تحقق جرم مذکور ۳۷۵

اجرای حکم مجازات، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل دادرسی کیفری بوده و در جهت اجرای بهتر مجازات، وجود مقام قضایی مستقل در مرحله اجرای حکم، لازم و ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین در قوانین کیفری، مقامی با نام «قاضی اجرای احکام کیفری» پیش‌بینی شده که این قاضی در مرحله اجرای حکم و حتی مرحله بعد از اجرای حکم، دارای وظایف و اختیاراتی است. پیش‌بینی نهادی به نام قاضی اجرای احکام در سیستم کیفری بیانگر این است که دخالت و حضور دستگاه قضایی پس از صدور حکم محکومیت، لازم و ضروری بوده و قاضی اجرای احکام فقط اجراء‌کننده مجازات نیست و وظیفه او به اجرای مجازات محدود نمی‌شود؛ بلکه همانطور که از نام او برمی‌آید این قاضی به همراه مددکاران اجتماعی و روانشناسی و جامعه‌شناسان دستگاه قضایی (سازمان امور زندان‌ها) که تحت نظر او به انجام وظیفه مشغول می‌باشند؛ مجازات را اعمال می‌کند و یا به تعبیر دیگر سعی در انطباق احکام با روحیات و شخصیت مجرمین و محکومین می‌نماید.

قاضی اجرای احکام با هدف فردی ساختن مجازات‌ها وارد سیستم کیفری شده و در زمینه نهاد تعلیق و تعویق صدور حکم، آزادی مشروط، نیمه آزادی، مجازات‌های جایگزین حبس، دارای وظایف و اختیاراتی است. تنوع در ضمانت اجرای کیفری، پیش‌بینی مجازات‌های جایگزین و همچنین تأسیسات حقوقی در امور کیفری در قانون جزای فرانسه به خصوص قوانین جزایی سال ۱۹۹۲ میلادی و به تبع آن، پیش‌بینی چنین تأسیساتی در قوانین جزایی ایران موجب گردیده است که قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها با توجه به اختیاراتی که در قانون در نظر گرفته شده است، بتواند در اصلاح و درمان و بازاجتماعی کردن محکومین به عنوان یکی از بهترین اهداف مجازات‌ها نقش مهمی را ایفاء نماید.

لذا هدف در شعبات اجرای احکام بایستی حول سه محور سرعت، دقت و قاطعیت در اجرای احکام قطعی معطوف باشد. چرا که توجه کردن به این سه مقوله سبب

می‌شود که ما فرصت تکرار جرم را از مجرم بگیریم. در محیط‌هایی که بسترهای جرم‌زا زیاد هستند، تعداد افرادی که استعداد رفتار مجرمانه دارند، خیلی قابل توجه نیست، خصوصاً در حوزه‌های قضائی کوچک تر. به نظر می‌رسد اگر ما بخواهیم نرخ جرم را کنترل کنیم، امنیت را افزایش بدهیم و رضایت عمومی را جلب کنیم باید با سرعت در اجرای حکم و کاهش زمان اجرا، فاصله وقوع جرم تا اجرای مجازات را به حداقل زمان ممکن برسانیم، فرصت تکرار جرم را به نوعی از متهم و محکوم علیه بگیریم و این خود نوعی پیشگیری تلقی می‌شود.

نتیجه دیگری که سرعت بخشیدن به فرآیند اجراء می‌تواند داشته باشد این است که شاکی با تشفی خاطر و رضیه، به فکر انتقام جوئی و رفتارهای ناشایست نیفتد، در واقع عکس‌العمل‌های مبتنی بر رفتارهای مجرمانه نداشته باشد، در واقع هدف ما اینست که شاکی در واقع سکوت اختیار کند، رضایت داشته باشد و شاهد اقداماتی از سوی شاکی که نظم را برهم می‌زند یا زمینه ارتکاب جرم جدید است، نباشیم و سومین نتیجه‌ای که ما از سرعت اجرای حکم انتظار داریم این است که بازدارندگی اجتماعی آن بگونه‌ای باشد که افرادی که استعداد رفتارهای مجرمانه دارند به فکر ارتکاب جرم نیفتند. همچنین باید توجه داشت که اقدامات اجرائی برای بزه دیده، دارای هزینه نباشد و همین که بزه دیده، درد و رنج ناشی از جرم را تحمل کرده است، نگرانی دیگری را نباید بر او تحمیل کنیم، سعی کنیم پرداخت هزینه‌های مربوط به اجراء، به گونه‌ای باشد که بزه دیده متحمل ضرر و زیانی نشود و رفت و آمدهای غیر ضروری بزه دیده و محکوم علیه را کاهش دهیم.

نوع برخورد در اجرا با تمامی طرفین پرونده بسیار مهم است، ما وظیفه داریم بر اساس تعالیم آئین اسلام، نسبت به دیگران رفتار توأم با ادب و رعایت کرامت انسانی داشته باشیم، حتی اگر مجازات اجرایی سخت باشد. بنابراین داشتن نقشه راه در شعبات اجرای احکام بسیار مهم است و این مهم بر عهده دادستان که به عنوان رئیس اجرای احکام مطرح است، می‌باشد. تا بتواند سیاست‌های جنایی را در آن حوزه

قضائی به درستی مدیریت و راهبری کند که نتیجه آن افزایش امنیت عمومی، کاهش نرخ جرم و احساس ناامنی برای مرتکبین جرائم عمدی باشد.

لذا اگر ما قادر باشیم همه احکام را بلافاصله و در کوتاه ترین زمان ممکن اجراء کنیم، امر ایده آل و مطلوبی است، ولی آیا قابلیت تحقق دارد؟ آیا با توان سازمانی ما، با نیروی محدودی که در اختیار ما است، می توانیم این امر را محقق کنیم؟ قطعاً پاسخ منفی است. اگر می توانستیم شاهد این میزان انباشت پرونده در شعب اجرای احکام نبودیم. حدوداً هفتاد و پنج درصد از رسوبی پرونده ها در دادسراها مربوط به اجرای احکام است، گذشته از درصدی از پرونده ها که طبیعت آنها اقتضاء می کند در اجرای احکام بمانند، به سبب این که مثلاً فرصت پرداخت دیه نرسیده است یا دسترسی به محکوم علیه به سهولت امکان پذیر نیست، برای سایر موارد ما جهات توجیه کننده ای نداریم.

احکام دارای الویت در اجرای احکام به شرح ذیل قابل تقسیم است

در اقدامات اجرائی، اولویت باید با پرونده های کثیرالشاکی باشد؛ پرونده هایی که تعداد بیشتری شاکی درگیر آن هستند، پرونده های کلان، در حوزه ساخت و ساز، در حوزه کلاهبرداری، اقتصادی، چک، موضوعاتی از این قبیل، هرچه تعداد شُکات را ما انبوه تر داشته باشیم، بیانگر این است که افراد بزه دیده، مالباخته یا شاکی زیادتری داریم و ضرورت دارد ما زودتر اقدامات پرونده ها را شروع کنیم و به نتیجه برسانیم.

دوم پرونده هایی که جرم ارتكابی، توأم با خشونت است مثل آدم ربائی، اسیدپاشی، سرقت های مسلحانه، موضوعاتی که باید در اولویت قرار بگیرد یا مجرمین خطرناک و مجرمینی که دارای سوابق متعدد هستند. شایسته این است که در هر دادسرا بانک اطلاعات مجرمین حرفه ای، مطابق دستورالعمل تدوین و راه اندازی شود و به گونه ای طراحی شود که اطلاعات مفید و قابل استفاده ای برای کنشگران عدالت اجتماعی داشته باشد. پس اولویت های اجرائی با پرونده های

کثیرالشاکی، جرائم توأم با خشونت، جرائمی که مرتکبین آن مجرمین خطرناک و سابقه دار هستند، می‌باشد.

چهارم جرائمی که افکار عمومی را جریحه‌دار می‌کند و منتظر واکنش فوری دستگاه قضائی هستند. رفتارهای مجرمانه‌ای که احیاناً بازتاب بیرونی و بازتاب رسانه‌ای پیدا می‌کند، مردم منتظر هستند نتایج عینی اجرای عدالت را مشاهده کنند، مثل تجاوزهای به عنف، مثل زورگیری‌ها، کیف قاپی‌ها، مواردی که در واقع خشونت گسترده در ملأعام مشاهده می‌شود، اینها را اگر در اولویت اجرائی قرار بدهیم به نظر می‌رسد که قابل توجیه و موجّه خواهد بود.

علاوه بر اینها احکامی که توسط دادگاه‌های کیفری یک و توسط دادگاهی با سیستم تعدد قاضی صادر می‌شود، به نظر می‌رسد احکامی هستند که در باید در اولویت اجرائی شعب اجرای احکام قرار بگیرند.

نکات مهم قابل بررسی در اجرا به شرح ذیل است:

به محض این که پرونده به اجرای احکام واصل می‌شود، ما باید بتوانیم احکام واجد اشکال، ابهام، اجمال یا اشتباه را بلافاصله ممیزی کنیم و تفکیک بدهیم و برگردانیم و اقدامات لازم را انجام بدهیم. این که بعد از مدت‌ها، پرونده به دادگاه برگردد خیلی قابل توجیه نیست، هرچند شاید حجم پرونده‌ها اقتضای دیگری را داشته باشد. در ملاحظه اولیه در پرونده‌هایی که به اجرای احکام واصل می‌شود ما باید بلافاصله متوجه شویم آیا در این پرونده، بخشی از موضوع، بلاحکم مانده است؟ بلا تکلیف مانده است؟ آیا قرارهایی در پرونده وجود دارد که ابلاغ نشده است؟ مثلاً قرار منع تعقیبی که باید به شاکی در دادسرا ابلاغ می‌شد، ابلاغ نشده است. آیا اموالی وجود دارد که توقیف شده و در دادسرا یا نزد مرجع انتظامی یا در دادسرا مانده، اما در رأی، تعیین تکلیف نشده است؟ آیا در خصوص بخش‌های مفتوح پرونده، اقدام لازم انجام شده است یا صرفاً در رأی اشاره شده است که مفتوح است ولی اقدامات لازم برای تشکیل بدل یا اقدامات اجرائی یا اقدامات تحقیقاتی یا اقداماتی که برای دادرسی لازم است مغفول مانده یا فراموش شده

است؟ آیا امر ابلاغ و احراز لازم الاجراء بودن دادنامه به درستی انجام شده است؟ در خصوص غیابی یا حضوری بودن رأی آیا دادگاه به درستی عمل کرده یا دچار خطا شده است؟ آیا متعاقب صدور حکم برائت در بخشی یا صدور قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب در قسمتی از پرونده دادرسی یا دادگاه بدوی به موقع نسبت به رفع اثر از تأمین‌هایی که سپرده شده، اقدام کرده است یا خیر؟ آیا در رد مال، توصیف دقیق مال انجام شده است، به گونه ای که ما مرافعه جدیدی در مرحله اجرای احکام بین شاکی و محکوم علیه نداشته باشیم؟ به گونه ای مال توصیف شده است که به راحتی بشود، رد مال را انجام داد؟ در بحث احراز بلوغ کیفری، احراز رشد کیفری، احراز سلامت روانی یا ادعای توبه در پرونده‌ها، اقدامات لازم انجام شده است؟ آیا لازم است در خصوص موضوع مربوط به رعایت قواعد تعدد و تکرار، موضوع ماده ۵۱۰ و ۵۱۱ اجرای احکام مداخله کند یا نه؟ رأیی که صادر شده، با لحاظ مقررات موضوع ماده ۱۳۴ و ۱۳۷ قانون آئین دادرسی کیفری بوده است؟ اینها موضوعاتی است که پرداختن به آنها در دستور کار قضات اجرای احکام بایستی قرار بگیرد.

لذا بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری وظایف قاضی اجرای احکام کیفری عبارت است از:

الف) صدور دستور اجرای احکام لازم‌الاجرای کیفری و نظارت بر شیوه اجرای آنها

ب) نظارت بر زندان‌ها در امور راجع به زندانیان

پ) اعلام نظر درباره زندانیان واجد شرایط عفو و آزادی مشروط، مطابق قوانین و مقررات

ت) اعطای مرخصی به محکومان، بر اساس قوانین و مقررات

ث) اتخاذ تصمیم درباره محکومان سالمند، مبتلایان به بیماری‌های روانی و بیماری‌های جسمی صعب‌العلاج و سایر افراد محکوم نیازمند به مراقبت و توجه ویژه از قبیل: صدور اجازه بستری برای آنها در مراکز درمانی بر اساس ضوابط و مقررات

ج) اجرای سایر وظایفی که به موجب قوانین و مقررات برای اجرای مجازات‌ها وضع شده یا بر عهده قاضی اجرای احکام کیفری یا ناظر زندان قرار گرفته است. همچنین هرگاه قاضی اجرای احکام کیفری، رأی صادره را از لحاظ قانونی لازم‌الاجراء نداند، مراتب را با اطلاع دادستان به دادگاه صادرکننده رأی قطعی اعلام و مطابق تصمیم دادگاه اقدام می‌کند. یکی دیگر از اختیارات قانونی قاضی اجرای احکام کیفری عبارت است از اینکه آرای کیفری به دستور و تحت نظارت قاضی اجرای احکام کیفری اجراء می‌شود و در مواردی که طبق قانون، اجرای رأی باید توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان‌ها و نهادهایی که شمول قانون بر آنان، مستلزم ذکر یا تصریح نام است به عمل آید، قاضی اجرای احکام کیفری، ضمن صدور دستور اجراء و ارائه تعلیمات لازم، بر چگونگی اجراء و اقدامات آن‌ها نظارت دارد.

تمام ضابطان دادگستری، نیروهای انتظامی و نظامی، مقامات و مستخدمان وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان‌ها و نهادهایی که شمول قانون بر آنان، مستلزم ذکر یا تصریح نام است، در حدود وظایف خود مکلفند دستور قاضی اجرای احکام کیفری را در مقام اجرای رأی که مرتبط با اجرای آن است، رعایت کنند. متخلف از مقررات این ماده، علاوه بر تعقیب انتظامی و اداری، به مجازات مقرر قانونی نیز محکوم می‌شود.

رفع ابهام و اجمال از رأی با دادگاه صادرکننده رأی قطعی است، اما رفع اشکالات مربوط به اجرای رأی با رعایت موازین شرعی و قانونی، با قاضی اجرای احکام کیفری است که رأی زیر نظر او اجراء می‌شود.

هرگاه شیوه اجرای رأی در دادنامه تعیین شود، به همان ترتیب اجراء می‌شود و در صورت عدم تعیین شیوه اجراء، قاضی اجرای احکام کیفری، مطابق مقررات قانونی، رأی را اجراء می‌کند.

اجرای علنی مجازات ممنوع است، مگر در موارد الزام قانونی یا در صورتی که به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی بزه ارتكابی، نحوه ارتكاب جرم و سوابق مرتکب و بیم

تجری او یا دیگران، دادگاه خود یا به پیشنهاد دادستان، اجرای علنی مجازات را ضروری تشخیص دهد و اجرای علنی مجازات را در رأی تصریح کند. در صورتی که بیم فرار یا مخفی شدن محکوم^۲ علیه باشد، قاضی اجرای احکام کیفری می تواند با ذکر دلیل در پرونده، از ابتداء دستور جلب محکوم^۳ علیه را صادر کند.

لذا با عنایت به وظایف پیش گفته در مرقومه^۴ ذیل، ابتدائاً به بررسی جرایم پر تکرار اجرای کیفری خواهیم پرداخت و پس از آن در خصوص موضوعات کلی و مهم اجرای احکام و شرایط اعمال نهادهای ارفاقی مهم بحث خواهیم کرد.

حال برای شروع مطالب کتاب، ابتدائاً باید جرائم خشن و مهم را تفکیک و به بررسی آنها در بخش اجرای احکام از زمان وصول پرونده تا مختومه شدن پرونده با تمام اقدامات در حین اجراء را بررسی کرد که به شرح ذیل می‌باشد:

فصل اول: آدم ربایی

عنصر قانونی جرم آدم ربایی ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی می‌باشد.

مختار اول: ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)

[اصلاحی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳] - هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری، به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری، شخصی را برباید یا مخفی کند در صورتی که ارتکاب جرم به عنف یا تهدید باشد به حبس درجه چهار و در غیر این صورت به حبس درجه پنج محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی علیه، کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده، محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.

این جرم از جمله جرائم عمدی و غیرقابل گذشت بوده و عواملی نظیر: سن مجنی علیه (کمتر از ۱۵ سال باشد)، وسیله نقلیه (استفاده در ربودن) و آسیب جسمی یا حیثیتی، باعث تشدید در مجازات این جرم می‌شود.

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۹۹، مجازات موضوع ماده ۶۲۱ ق.م.ا. را صرفظراً از کیفیات مشدده به دو قسم تقسیم می‌کند:

چنانچه ارتکاب رکن مادی بزه آدم ربایی با عنف و تهدید باشد، مجازات مرتکب حبس درجه ۴ و در غیر این صورت حبس درجه ۵ خواهد بود.

و در مواردی که سن مجنی علیه، کمتر از ۱۵ و یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مجازات آن طبق قسمت دوم ماده ۶۲۱، حداکثر مجازات مقرر در قانون خواهد بود که با توجه به میزان مجازات، وفق قانون جدید حسب مورد حداکثر درجه ۴ یا درجه ۵ می باشد.

تبصره این ماده بر اساس ماده ۱۵ قانون کاهش نسخ صریح شده است.

گفتار دوم: بررسی بزه در اجرای احکام کیفری

به محض قطعیت دادنامه صادره، پرونده در جهت اجرای رای به شعبه اجرای احکام کیفری ارسال می شود. پرونده ابتدائاً به نظر قاضی اجراء رسیده و قاضی اجراء پس از مطالعه اجمالی پرونده، دستور ثبت پرونده را به دفتر می دهد، پس از دستور ثبت غیر مکانیزه، پرونده مجدداً به دفتر ارسال تا ثبت سیستمی شود، سپس پرونده توسط ثبات دادسرا، ثبت بایگانی شده و سپس جهت سه گانه سازی به بایگان شعبه تحویل می شود. پس از سه گانه سازی، پرونده به نظر قاضی اجرای کیفری می رسد.

بند اول: دستورات ابتدائی در اجرا

قاضی اجراء پس از مطالعه پرونده، دستورات مقتضی را صادر می کند که بسته به وضعیت محکومین چند فرض متصور است:

۱. محکوم علیه به دلایل متعدد در حبس به سر می برد.

در این فرض، قاضی اجراء ابتدائاً وضعیت دادنامه را بررسی می کند: چنانچه دادنامه قطعی باشد در شرحی به دفتر دستور می دهد تا جهت اعلام محکومیت قطعی با زندان مکاتبه گردد تا محکومیت به محکوم علیه ابلاغ و اجراء گردد یا در نوبت اجراء قرار گیرد. در صورت محکومیت های متعدد، وقت تعیین و پرونده تا وصول وقت در محل پرونده های دیگر نگهداری می شود.

لذا دستورات به شرح ذیل خطاب به دفتر صادر می شود:

وقت نظارت تعیین و تقویم محکومیتی و آخرین وضعیت قضایی محکوم علیه از اداره زندان مربوطه استعلام گردد.

چنانچه پرونده زندانی دار، مجدداً در وقت دیگری به نظر رسید دستور به شرح ذیل است:

با عنایت به تحمل حبس از جانب محکوم علیه، وقت نظارت، تجدید گردد همچنین در راستای ماده ۵۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری، تعیین وقت پرونده به نحوی صورت پذیرد که حداقل ده روز پیش از اتمام مدت حبس، پرونده تحت نظر اینجانب قرار گیرد تا با تعیین تاریخ اتمام مدت حبس محکوم علیه، دستور آزادی ایشان به زندان اعلام گردد.

چنانچه با استعلام در سیستم پانید یا اعلام شاکی یا مدارک پرونده محکوم علیه از محکومیت دیگری در شهرستان دیگری در حال تحمل حبس باشد به شرح ذیل دستور می دهیم:

طی شرحی خطاب به اداره زندان شهرستان... با عنایت به سابقه تحمل حبس توسط محکوم علیه در آن زندان، چنانچه کماکان در آن زندان به سر می برد با عنایت به محکومیت در پرونده این دادسرا، از آزادی ایشان جداً خودداری و مراتب محکومیت غیر قطعی به ایشان ابلاغ تا در صورت اعتراض با عنایت به عدم وجود تامین متناسب در زندان و در صورت عدم اعتراض به سبب تحمل محکومیت تا پایان تحمل محکومیت در آن زندان تحمل حبس نماید. بدیهی است در صورت نیاز، سایر مکاتبات قضایی مقتضی با دادسرای شهرستان مربوطه انجام خواهد شد.

۲. محکوم علیه پس از تفهیم اتهام در مرحله تحقیق یا رسیدگی دادگاه با قرار تامین متناسب آزاد است.

در این فرض، مستنداً به ماده ۵۰۰ ق.آ.د.ک. دو نوع دستور، قابل فرض است که به وضعیت محکوم علیه بستگی دارد:

الف: چنانچه بیم فرار و مخفی شدن محکوم علیه از نظر قاضی اجراء محرز باشد دستور جلب ابتدایی را صادر می کند.

ب: در صورت عدم بیم فرار، وفق قانون، ابتدائاً احضار با تذکر جلب صادر می گردد و در صورت عدم حضور، دستور جلب صادر می شود.

* در این مرحله از پرونده، محکوم علیه وفق ماده ۵۲۹ آیین دادرسی کیفری مهلت ده روزه در جهت حضور دارد، چنانچه محکوم علیه از حضور امتناع نماید، برگ جلب محکوم علیه به دو صورت ممکن است صادر گردد که عبارتند از:

۱. برگ جلب ارسالی به مرجع انتظامی که پس از دریافت دستور قضایی و غالباً ظرف یک ماه محکوم علیه را باید در شعبه حاضر نمایند.

۲. جلب سیار که به پیشنهاد شاکی در اختیار ایشان با مدت زمان های مشخص قرار می گیرد و شاکی با همکاری مرجع انتظامی، اقدام به جلب محکوم علیه و معرفی ایشان به شعبه می نماید.

حال چنانچه محکوم علیه پس از مهلت یک ماهه جلب به مرجع انتظامی، جلب نگردد یا به صورت خود معرف نیز حاضر نشد و شاکی نیز موفق در جلب نشد، محکوم علیه از طریق کفیل یا وثیقه گذار احضار می گردد.

وثیقه گذار ابتدائاً با مهلت یک ماهه در جهت تحویل محکوم علیه، احضار می شود در صورت ابلاغ واقعی و عدم تحویل محکوم علیه، به دستور دادستان، مراتب ضبط وثیقه یا وجه الکفاله انجام می گیرد.

که در صورت حصول نتیجه جلب، محکوم علیه مطابق مورد اول به زندان با قید محکومیت دقیق با احتساب ایام بازداشت قبلی معرفی می گردد.

دستور جلب به مرجع انتظامی:

برگ جلب محکوم علیه جهت اجرای مجازات با عنایت به عدم حضور ایشان علیرغم احضار قبلی با تجویز حاصله از تبصره ماده ۵۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری، با اذن ورود به منزل و مخفیگاه با رعایت موازین شرعی و قانونی از ساعت شش الی بیست و دو به تعداد سه مرتبه در شبانه روز تنظیم و به نظر برسد.

****چنانچه محکوم علیه از محکومین متواری و یا خطرناک باشد، قید ساعت ورود و خروج به منزل و مخفیگاه ذکر نمی گردد.**

دستور جلب سیار با راهنمایی شاکی با مهلت یک تا دو ماهه

برگ جلب محکوم علیه جهت اجرای مجازات با عنایت به عدم حضور ایشان، علیرغم احضار قبلی با تجویز حاصله از تبصره ماده ۵۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری، با اذن ورود به منزل با رعایت موازین شرعی و قانونی از ساعت شش الی بیست و دو به تعداد سه مرتبه در شبانه روز تنظیم و به نظر برسد. برگ جلب سیار محکوم علیه جهت اجرای مجازات با راهنمایی محکوم له با اذن ورود به منزل و مخفیگاه با رعایت موازین شرعی و قانونی از ساعت شش الی بیست و دو به تعداد سه مرتبه در شبانه روز تنظیم و به نظر برسد.

و مهمترین جلب در جهت دسترسی به محکومین متواری صدور برگ جلب سراسری می باشد که در متن نیابت جلب سراسری و اذن جلب به تمامی مراجع انتظامی و قضایی ارسال میگردد تا در صورت شناسایی محکوم علیه، نیابت ثبت و طبق مفاد نیابت اجرا گردد.

بند دوم: اعلام محکومیت قطعی

پس از جلب به شرح ذیل به زندان اعلام محکومیت می گردد:
لذا زمانی که برای قاضی اجرا مسجل شد که دادنامه صادره قطعی می باشد و محکوم علیه در شعبه حاضر است یا از جهت دیگری در حال تحمل حبس می باشد

به شرح فرم ذیل اعلام محکومیت می نماید .

رئیس محترم زندان.....

سلام علیکم.....

بدین وسیله محکومیت قطعی محکوم علیه با مشخصات ذیل اعلام می گردد.
مقرر است ضمن ابلاغ محکومیت مزبور به زندانی به محض اتمام محکومیت ابلاغی،
چنانچه به علت دیگری بازداشت نباشد فوراً از زندان آزاد و مراتب جهت درج در
سابقه به این اجراء اعلام گردد.

۱- نام:	۱۲- شماره و تاریخ دادنامه
۲- نام خانوادگی	۱۳- وضعیت تاهل:
۳- شهرت	۱۴- نوع جرم:
۴- نام پدر	
۵- شماره شناسنامه	
۶- کد ملی	
۷- سن (سال تولد)	۱۵- نوع و میزان مجازات: الف) حبس: سال ماه روز ب) جزای نقدی: ج) شلاق: د) سایر محکومیت ها:
۸- دین و تابعیت	
۹- میزان تحصیلات	
۱۰- تاریخ بدو بازداشت	
۱۱- جنس مرد زن ☐	
۱۶- آدرس محل اقامت	

۱۷- نام و سمت قاضی صادرکننده حکم:

۱- **ملاحظات:** چنانچه قرار زندانی قبلاً به بازداشتگاه اعلام شده است شماره و تاریخ قرار ذیلاً درج می‌شود.

۲- **ملاحظات:** چنانچه زندانی دارای محکومیت متعدد باشد مجازات‌ها و یا تقدیم و تاخر اجرای آنها در این قسمت نوشته باشد.

۳- **ملاحظات:** در صورت پایان یافتن مدت محکومیت محکوم علیه و آزادی وی مراتب به اداره سجل کیفری اعلام گردد.

بند سوم: دستورات در خصوص ضبط وجه الكفاله یا وجه الوثاقه

دستور احضار از طریق کفیل یا وثیقه گذار

محکوم علیه از طریق کفیل (به صورت کتبی و تلفنی) ظرف مدت ده روز احضار گردد و در ابلاغیه قید گردد نتیجه عدم عدم تحویل محکوم علیه به شعبه جهت اجرای دادنامه، اخذ وجه الكفاله می‌باشد. محکوم علیه از طریق وثیقه گذار (به صورت کتبی و تلفنی) ظرف مدت ده روز احضار گردد و در ابلاغیه قید گردد، عدم تحویل محکوم علیه به شعبه جهت اجرای دادنامه، اخذ وجه الوثاقه می‌باشد).

چنانچه با وجود احضار و اعطای مهلت قانونی و حتی توافقی یک ماهه، کفیل یا وثیقه گذار محکوم را حاضر ننمود به شرح ذیل دستور صادر می‌شود:

*** با عنایت به احضار محکوم علیه از طریق کفیل و عدم احضار مکفول عنه، پرونده جهت اظهار نظر دادستان محترم، حسب مورد در خصوص صدور دستور اخذ وجه الكفاله یا وثاقه به نظر ایشان برسد.

***با عنایت به احضار محکوم علیه از طریق کفیل محکوم علیه پس از صدور دستور اخذ وجه الکفاله و تقاضای ایشان مبنی بر تخفیف در این خصوص پرونده جهت اعمال ماده ۲۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری به نظر دادستان محترم برسد.

***با عنایت به احضار محکوم علیه از طریق وثیقه گذار، پس از صدور دستور اخذ وجه الوثاقه و تقاضای ایشان مبنی بر تخفیف در این خصوص، پرونده جهت اعمال ماده ۲۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری به نظر دادستان محترم برسد.

***طی شرحی خطاب به اداره متبوعه کفیل محکوم علیه در خصوص توقیف حساب ایشان تا مبلغ وجه الکفاله و کسر از حقوق ایشان، مستنداً به ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی به میزان یک چهارم از دریافتی ماهانه قبل از کسر مبالغ بدهی (در فرض متاهل بودن) و یا یک سوم (در فرض مجرد بودن) مکاتبه گردد.

***مراتب صدور دستور اخذ وجه الکفاله به کفیل محکوم علیه با قید قابلیت اعتراض ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ در دادگاههای کیفری دو شهرستان ابلاغ گردد؛ در غیر این صورت، اقدامات قانونی معمول می گردد. (همچنین به کفیل متذکر گردد در صورت پرداخت محکوم به یا اقساط عقب مانده از وصول وجه الکفاله، موقتاً تا دسترسی به محکوم علیه اجتناب می گردد)

***مراتب صدور دستور اخذ وجه الوثاقه به وثیقه گذار محکوم علیه با قید قابلیت اعتراض ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ در دادگاههای کیفری دو شهرستان ابلاغ گردد؛ در غیر این صورت، اقدامات قانونی معمول می گردد. همچنین به وثیقه گذار متذکر گردد در صورت پرداخت محکوم به یا اقساط عقب مانده از ضبط وثیقه موقتاً تا دسترسی به محکوم علیه اجتناب می گردد) با عنایت به اینکه دستور صادره قبلی، مربوط به پرونده شماره... می باشد از آن عدول می گردد.

بند چهارم: نکاتی در مورد صدور برگ جلب

در جلب صادره از شعبه اجرای احکام، ضابط مخاطب شماسست؛ به خلاف احضاریه که شاکی یا متهم مخاطب است. در برگ جلب نکات زیر باید رعایت شود:

۱. مشخصات دقیق محکوم علیه مانند آدرس، اسم پدر، شهرت و... به صورت دقیق بیان شود. اگر آدرس نداشته باشد باید مشخص شود با راهنمایی چه کسی باشد و مشخصات راهنما از قبیل شاکی یا وکیل شاکی یا ضامن بیان شود.
۲. علت جلب و میزان مجازات بیان شود: گاهی محکوم علیه در ساعت غیراداری جلب می شود و همکاران می توانند مجازات را اگر جزای نقدی است، اجراء کنند؛ ولی به دلیل عدم ذکر محکومیت، این دستور باعث بازداشت غیرقانونی متهم می شود. همچنین نوع اتهام و این که قابل گذشت است یا نه بسیار اهمیت دارد.
۳. مدت اعتبار برگ جلب بیان شود: مدت باید مشخص باشد، معمولاً در اجرای احکام، مدت اعتبار طولانی تر است و مدت اعتبار باید منطقی باشد، مثلاً اگر گیرنده ضامن باشد بین ۲۰ تا ۳۰ روز منطقی است ولی در موارد عادی تا سه ماه هم می توان مهلت داد.
۴. اذن خاص مانند جلب شبانه و اذن ورود به مخفیگاه نیاز به تصریح دارد. در این مورد تغییر فصول سال باید مدّ نظر باشد مثلاً تا ساعت ۲۴ در تابستان اشکال ندارد ولی در زمستان جایز نیست. شهرهای کوچک باید ملاحظه شود مثلاً در برخی شهرها مردم زودتر می خوابند. بنابراین همیشه به جغرافیا و فصول سال، دقت کنید.
۵. قبل از امضاء برگه را بررسی کنید. گاه اتفاق افتاده است که قاضی، برگ جلب رئیس دادگستری را بدون دقت امضاء کرده است. در مورد دیگر، شاکی اشتبهاً جلب شده و قاضی هم با بی دقتی امضاء کرده است.

گفتار سوم: نهادهای ارفاقی در جرم آدم ربایی**بند اول: نهاد نیمه آزادی و آزادی مشروط****بند سوم ماده ۸ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری**

یک تبصره به شرح زیر به ماده (۵۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/ ۲/ ۱ الحاق می شود:

تبصره - مقررات این ماده در مورد حبس های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار، در صورت گذراندن یک چهارم مدت حبس، قابل اعمال است. به شرح ذیل ماده ۸ قانون کاهش مجازات های حبس تعزیری، نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط در مورد حبس های درجه دو و سه و چهار بررسی می شود. قابل ذکر است که این دو نظام تا قبل از تصویب قانون کاهش، فقط در حبس های تا درجه ۵ قابلیت اجراء داشت و اکنون توسعه یافته و یک تبصره به ذیل ماده ۵۷ الحاق شده است.

نکته: بر اساس ماده اصلاحی، در حبس های تا درجه ۵ به صورت مطلق و در حبس های تعزیری درجه دو و سه و چهار در صورت گذراندن یک چهارم مدت حبس، با رعایت شرایط مقرر و مندرج در ماده ۵۷ قانون مجازات تجویز شده است. نکته: منظور از درجه های حبس در این ماده، مجازات جرم ارتكابی در دادنامه است نه مجازات قانونی.

پس از بررسی شرایط به شرح ذیل، صورت جلسه می شود:

به تاریخ ذیل، پرونده شماره فوق، تحت نظر است. درخواست آزادی مشروط زندانی به همراه گزارش شورای طبقه بندی زندان، ملاحظه شد و شرایط ذکر شده، مورد تایید دایاری می باشد. لذا دفتر محترم، پرونده با پیشنهاد آزادی مشروط نامبرده در راستای اعمال ماده ۵۸ ق.م.ا به دادگاه صادرکننده رای قطعی ارسال شود.

که در صورت موافقت و برگشت پرونده، طی شرحی به زندان اعلام می‌گردد:

دفتر محترم؛

طی شرحی خطاب به اداره زندان، مراتب صدور رای آزادی مشروط محکوم علیه، جهت ابلاغ به محکوم علیه و مراتب تفهیم مفاد آن و ثبت در سوابق ایشان اعلام تا چنانچه به علتی دیگری در حبس و بازداشت نمی باشد، ظرف یوم جاری آزاد و نتیجه به شعبه اعلام گردد.

بند دوم: پابند الکترونیک

منطبق با شرح ذیل ماده ۹ قانون کاهش که متضمن حکم تجویز استفاده از تجهیزات الکترونیک می‌باشد به شرح ذیل است:

ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی

در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص، تحت نظارت سامانه (سیستم) های الکترونیکی قرار دهد.

تبصره ۱- دادگاه در صورت لزوم می‌تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورهای ذکر شده در تعویق مراقبتی قرار دهد.

ماده ۹ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

تبصره ماده (۶۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/ ۲/ ۱ با عنوان تبصره (۱) ابقاء و دو تبصره به عنوان تبصره های (۲) و (۳) به شرح زیر به آن الحاق می‌شود:

تبصره ۲ - مقررات این ماده در مورد حبس های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار نیز پس از گذراندن یک چهارم مجازات های حبس، قابل اعمال است.

تبصره ۳ - قوه قضائیه می‌تواند برای اجرای تدابیر نظارتی موضوع این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن متهم یا محکوم تحت نظارت الکترونیکی قرار می‌گیرد، با نظارت سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کند. آیین نامه اجرائی این تبصره توسط معاونت حقوقی قوه قضائیه با همکاری

فصل چهارم: تصادفات و حوادث کار

در این قسمت به جرائم غیر عمدی ناشی از حوادث رانندگی و جرائم غیر عمدی ناشی از حوادث کار می‌پردازیم. به طور کلی جهات تصادفات رانندگی شامل بی احتیاطی، بی مبالائی، عدم [رعایت] نظامات دولتی و یا عدم مهارت راننده و وسیله نقلیه موتوری می‌باشد که قانونگذار حسب مورد مرتکب را مستوجب مجازات دانسته است.

حوادث رانندگی به دو صورت از جهتی تقسیم می‌شوند:

غیر قابل گذشت:

الف: جرائم ناشی از حوادث رانندگی بدون گواهینامه ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی

ب: جرائم ناشی از حوادث رانندگی منجر به فوت ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی

** حوادث کار در این قسم می‌گنجد و جزء جرائم غیر قابل گذشت و دارای جنبه عمومی بوده و مجازات حبس یا جزای نقدی دارد. لذا اعمال مقررات گذشت در قابل ماده ۴۸۳ قانون آیین داری کیفری به شرح ذیل است:

قابل گذشت:

جرائم ناشی از حوادث رانندگی منجر به جرح ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی که پس از گذشت محکوم له، قرار موقوفی اجرا در جنبه عمومی جرم صادر و جنبه خصوصی جرم در جهت دریافت دیه به بیمه مربوطه معرفی می‌گردد.

که در این خصوص دو رویه متفاوت در اجرای احکام‌ها جاری است:

- بعضی از همکاران محترم قضایی تا وصول نتیجه دیه، پرونده را از آمار موقتاً کسر می کنند که با نظارت غیروقتی قاضی، طی دو ماه از بیمه پیگیری و با وصول نتیجه بایگانی می گردد. (رویه اجرایی که مسئولیت بررسی پرونده های کسر شده بر عهده ی قاضی وقت می باشد و راه حل پیشنهادی عدم انتقال قاضی مربوطه با مناصب بالاتر تا وصول و مکاتبه ی نتایج دیه است).

- تا وصول نتیجه ییمه جریانی می ماند (اصل قانونی که موجب عدم آمار حجم زیادی از پرونده ها با عنایت به تاخیر غیر قابل انکار بیمه ها می شود)

ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده)

هرگاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسایل نقلیه زمینی یا آبی یا هوایی) یا متصدی وسیله موتوری منتهی به قتل غیر عمدی شود مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم می شود.

ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده)

در مورد مواد فوق هرگاه راننده یا متصدی وسایل موتوری در موقع وقوع جرم، مست بوده یا پروانه نداشته یا زیاده تر از سرعت مقرر، حرکت می کرده است یا آن که دستگاه موتوری را با وجود نقص و عیب مکانیکی موثر در تصادف به کار انداخته یا در محل هایی که برای عبور پیاده رو علامت مخصوص گذارده شده است، مراعات لازم ننماید و یا از محل هایی که عبور از آن ممنوع گردیده است، رانندگی نموده به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق محکوم خواهد شد. دادگاه می تواند علاوه بر مجازات فوق، مرتکب را برای مدت یک تا پنج سال از حق رانندگی یا تصدی وسایل موتوری محروم نماید.

تبصره- اعمال مجازات موضوع مواد (۷۱۴) و (۷۱۸) این قانون از شمول بند (۱) ماده ۲ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۲۸/۱۲/۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی مستثنی می باشد.

گفتار اول: بررسی مجازات مرتکبین تصادفات رانندگی منجر به جرح و یا فوت

۱. هرگاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده منتهی به قتل غیر عمدی شود، مجازات آن ۶ ماه تا ۳ سال حبس و پرداخت دیه در صورت مطالبه اولیای دم می‌باشد و مجازات حبس قابل تبدیل به جزای نقدی نیست.

۲. هرگاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده منتهی به هریک از موارد زیر گردد، مجازات آن از دو ماه تا یک سال حبس و پرداخت دیه در صورت مطالبه مصدوم می‌باشد:

- مرض جسمی یا دماغی (روحي و روانی) غیر قابل علاج
- از بین رفتن یکی از حواس
- از کار افتادن عضوی از اعضای بدن که یکی از وظایف ضروری زندگی انسان را انجام می‌دهد
- تغییر شکل دائمی عضو یا صورت شخص
- سقط جنین

۳. هرگاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده موجب هریک از موارد زیر گردد، مجازات آن از ۲ ماه حبس تا ۶ ماه حبس و پرداخت دیه در صورت مطالبه مصدوم می‌باشد:

- نقصان یا ضعف دائمی یکی از منافع یا یکی از اعضای بدن شود
- از بین رفتن قسمتی از عضو مصدوم بدون آنکه عضو از کار بیفتد
- وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی شود

۴. بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده موجب صدمه بدنی شود، مجازات آن از ۱ ماه تا ۵ ماه حبس و پرداخت دیه در صورت مطالبه مصدوم می‌باشد.

۵. در کلیه موارد فوق هرگاه راننده مست بوده یا پروانه نداشته باشد یا زیاده‌تر از سرعت مقرر حرکت می‌کرده است یا آنکه دستگاه موتوری را با وجود نقص و عیب

مکانیکی موثر در تصادف به کار انداخته یا در محل‌هایی که برای عبور پیاده‌رو و علامت مخصوص گذارده شده است، مراعات ننموده نماید و یا از محل‌هایی که عبور از آن ممنوع گردیده است رانندگی نموده، به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در موارد فوق محکوم خواهد شد و دادگاه می‌تواند علاوه بر مجازات فوق مرتکب را برای مدت ۱ سال تا ۵ سال از حق رانندگی محروم نماید و مجازات حبس، قابل تبدیل به جزای نقدی نیست.

۶. مجازات راننده ای که مصدوم، احتیاج به کمک فوری داشته باشد و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار از تعقیب، محل را ترک و مصدوم را رها کند، حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات محکوم در هریک از موارد فوق محکوم خواهد شد و دادگاه نمی‌تواند در مورد این ماده، اعمال کیفیت مخففه نماید، راننده در صورتی می‌تواند برای انجام تکالیف مذکور وسیله نقلیه را از صحنه حادثه حرکت دهد که برای کمک رسانیدن به مصدوم، توسل به طریق دیگر ممکن نباشد و در صورتی که راننده مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به هر نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت خواهد نمود.

گفتار دوم: تصادف در اجرای احکام کیفری

طبق عموماً توضیحی به شرح جرم اول پس از ثبت پرونده در شعبه اجرای احکام و تعیین وقت و موضوع و سه گانه سازی توسط بایگان به نظر قاضی اجرای احکام کیفری می‌رسد.

پس از وصول پرونده، قاضی اجراء بعد از مطالعه دادنامه، دستور مقتضی صادر می‌نماید. چنانچه بزه پرونده، قابل گذشت باشد، دادگاه طبق رویه و قانون برای محکوم علیه مجازات دیه و جزای نقدی را در نظر می‌گیرد که جزای نقدی مطابق تبصره ۳ ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک. در جهت پرداخت احضار می‌گردد.

و چنانچه از دسته جرائم غیر قابل گذشت باشد که معمولاً حبس و یا به ندرت اجرای نقدی می‌باشد، که در این صورت طبق توضیح سابق، محکوم علیه با تذکر جلب در جهت اجرای مجازات احضار می‌گردد.

دستورات ثبتی با توجه به موضوع پرونده شرح ذیل است:

****محکوم له جهت تقاضای دریافت دیه، اعلام آدرس جدید محکوم علیه و اخذ برگ جلب سیار دعوت به حضور گردد.**

****محکوم له جهت تقاضای دریافت دیه با قید ضمانت اجرای عدم حضور، ظرف سه ماه وفق ماده ۵۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ کسر شدن پرونده از آمار و فک قرار تامین کیفری مقتضی می‌باشد دعوت به حضور گردد.**

****محکوم له جهت تقاضای رد مال و اعمال ماده سه قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی دعوت به حضور گردد.**

****محکوم له جهت معرفی به شرکت بیمه در صورت تمایل با قید متحمل شدن هزینه‌های لازم دعوت به حضور گردد.**

****محکوم له جهت معرفی به صندوق تامین خسارات بدنی در صورت تمایل با قید متحمل شدن هزینه‌های لازم دعوت به حضور گردد.**

****محکوم علیه در خصوص توضیح جهت نحوه پرداخت دیه احضار گردد.**

****محکوم علیه جهت اجرای حکم با قید ضمانت اجرای، عدم حضور جلب است ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ احضار گردد.**

محکوم علیه جهت اخذ توضیح در رابطه با تعیین نحوه پرداخت دیات دعوت گردد. سپس با عنایت به عدم حلول یکسال تمام قمری از تاریخ وقوع جرم موضوع ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی پرونده تا حلول وقت فوق الاشاره موقتاً از موجودی شعبه کسر و آمار گردد و همچنین به محکوم له، مراتب ابلاغ تا در مورخ... به این اجرای احکام مراجعه نماید.

****با عنایت به اجرای جنبه عمومی جرم تا حصول نتیجه از سوی شرکت بیمه مربوطه پرونده موقتاً از موجودی شعبه کسر و بایگانی گردد.**

گفتار سوم: دیات و مباحث حوادث رانندگی

دیات و به ویژه موضوعات مرتبط با حوادث رانندگی، بخش قابل توجهی از ورودی‌های پرونده‌ها و موجودی‌های شعب اجرای احکام سراسر کشور را به خودشان اختصاص می‌دهند.

سازمان بهداشت جهانی، WHO در گزارشی که در سال ۲۰۱۸ میلادی ارائه کرده است، حوادث ترافیکی و حوادث رانندگی را به عنوان یکی از معضل‌های جهانی است که سالیانه جان میلیون‌ها نفر را می‌گیرد.

افرادی را داریم که دچار معلولیت مادام‌العمر می‌شوند و از حیث معیشت، از حیث زندگی فردی و اجتماعی با مشکلات بسیاری مواجه می‌شوند. کارشناسان و افرادی که به ارزیابی علت وقوع حادثه می‌پردازند با یک نگاه جدیدی عامل راه و عامل خودرو را مورد توجه قرار می‌دهند ولی نباید از نظر دور داشت که اگر اتکای ما فقط بر احراز تقصیر برای مسئولیت ناشی از حوادث باشد، شاید در بیش از پنجاه درصد از حوادث به جهت این که تحقق، احراز تقصیر با اشکالات فنی مواجه است، بسیاری از این خسارت‌ها بدون تدارک باقی خواهد ماند، لذا صرف انتساب و اسناد عرفی ضرر ایجاد شده به عواملی که در ایجاد آن دخیل هستند کفایت می‌کند و گاهی ممکن است اساساً احراز تقصیر ضرورت نداشته باشد.

در قانون بیمه تأکید شده است که جنسیت مصدوم و دین او خیلی تأثیری در میزان پرداختی‌ها نخواهد داشت و افرادی که داخل یک خودرو هستند و نیز افرادی که به عنوان ثالث در خارج از خودرو آسیب می‌بینند، شرکت‌های بیمه، یک پوشش حداکثری را تقبل می‌کنند، در خصوص افرادی که به عنوان ثالث هستند، حداکثر تعهدات شرکت بیمه عبارت است از ده فقره دیه کامل در ماه حرام و اگر بیشتر از آن باشد و افراد کشته شده بیشتر از این تعداد باشند، ما به التفاوت آن را صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌کند و نسبت افرادی که داخل وسیله نقلیه هستند تعهدات شرکت بیمه ناظر است به ظرفیت خودرو، بنابراین اگر ظرفیت یک

خودرو پنج نفر سرنشین است، میزان تعهداتی که شرکت بیمه برای پرداخت دیه دارد معادل همان پنج نفر است، اگر بیشتر از این تعداد در خودرو سوار شده باشند، میزان دیه ای که شرکت بیمه پرداخت می کند بین آن افراد تقسیم می شود، یعنی اگر ظرفیت چهار نفر یا پنج نفر یا بیشتر از این باشد، همان دیه مورد تعهد شرکت بیمه بین این تعداد تقسیم می شود و ما به التفاوت آن را باز هم شرکت های یا صندوق تأمین خسارت های بدنی پرداخت می کند.

علاوه بر اینها از نوآوری هایی که سبب توسعه دامنه پوشش های بیمه ای شده است، برای راننده مقصر حادثه است که در ماده ۳ قانون بیمه هم آمده است که راننده مقصر حادثه هم از حیث جبران خسارت مثل شخص ثالث زیان دیده تلقی می شود و احکام مربوط به ثالث زیان دیده در مورد او اعمال می شود.

آیا تمامی پوشش های حمایتی بیمه ای که در قانون برای شخص ثالث زیان دیده، پیش بینی شده است، در مورد راننده مقصر هم اعمال می شود یا صرفاً به اندازه یک فقره دیه کامل یک مرد در غیر ماه حرام و مازاد بر آن مشمول راننده مقصر نمی شود؟ اینها موضوعاتی است که بعضاً در رویه قضائی با اختلاف دیدگاه ها مواجه است.

علاوه بر اینها صندوق تأمین خسارت های بدنی هم کمک شایانی می کند در جاهایی که شرکت های بیمه امکان ارائه پوشش های حمایتی لازم را ندارند و خلأهایی که وجود دارد را صندوق تأمین خسارت های بدنی فراهم می کند.

پیشینه این موضوع را اگر بررسی کنیم، نخستین خودرویی که به کشور وارد شده است در زمان مظفرالدین شاه بوده است و اولین تصادفی هم که اتفاق افتاده است در سال ۱۳۰۵ هجری شمسی است، در این تصادف به علت تصادف بین درشکه درویش خوان، اسطوره موسیقی سنتی ایران با ماشین فوت می شود و اولین قربانی تصادف در ایران است.

قوانینی که تصویب شده است، قدیمی ترین قانون ما مصوب سال ۴۷ است و در سال ۸۷ این قانون اصلاح شد و بعد از آن در سال ۹۵ مجدداً اصلاحاتی در قانون